

بیان حقیقت دربارهٔ عزاداریهای نامشروع

رساله‌ای دربارهٔ:

«تحریم قمه‌زنی و زنجیرزنی... در اسلام»

Ketabton.com

پیشگفتار

ستایش جاودانه خداراست که عمل به احکام اسلام را بر مسلمانان آسان ساخت. و درود ابدی بر برگزیده بندگان و پایان بخش پیامبرانش محمد باد. و بر خاندان او که با تحریف حقایق دین از سوی اهل غلو به مخالفت برخاستند. حادثه جانگدازی که برای امام بزرگوار اَبی عَبْدِالله، حسین ابن علی (علیهما السلام) رخداد از بزرگترین مصائبی است که در تاریخ اسلام پدید آمد و دل‌های مسلمانان را به درد آورد. پس از آن حادثه، کم کم مراسم ماتم‌داری در میان برخی از شیعیان دیده شد و در طول تاریخ به صورت شعار آنان درآمد. در قرون اخیر، گروهی از شیعیان کارهایی - همچون قمه‌زنی و زنجیرزنی و غیره - را که با قواعد شرع و سفارش‌های اسلام سازگار نیست - در سوگ حسین علیه السلام وارد ساختند. چندی بر این منوال گذشت تا آنکه یکی از فقهای مشهور امامیه در سوریه، بر ضد این بدعت‌ها قیام کرد و با زنجیرزنی و سینه‌کوبی در کوی و برزن، به مخالفت برخاست. این مرد نامدار، علامه سید محسن امین عاملی بود که رساله‌ای به عنوان: «التنزیه فی أعمال الشبیه» در این زمینه پرداخت و به دلیل تلاش‌های خود، مورد حمله کسانی قرار گرفت که از قواعد شرع بلکه از دستورات صریح آن بی‌خبر بودند. آنها در خرده‌گیری از سخنان علامه عاملی پای از مباحثه علمی بیرون نهادند و با هیاهویی که پدید آوردند، ذهن مردم عادی را از توجه به دلائل او بازداشتند و آنان را به اجرای مراسم گذشته، سرگرم ساختند. تا آنکه در ایران، دولت جمهوری اسلامی پیا شد و قمه‌زنی را رسماً منع کرد. در پی این رویداد، نویسنده تصمیم گرفت تا دلائل این منع و تحریم را با استناد به مدارک مورد اعتماد امامیه، در دفتری گرد آورد شاید برای اهل انصاف، مایه عبرت شود. از خداوند بزرگ در خواست می‌دارم که همه ما را به طریق اعتدال و راه صواب رهنمون باشد. إِنَّهُ وَلِيُّ الْهُدَايَةِ وَالرَّشَادِ.

مصطفی حسینی طباطبائی

نهی قرآنی

باید دانست که ضربه‌زدن بر بدن و گونه‌ها و خراشیدن چهره و فریاد «واویلا» و «وائبورا» کشیدن به هنگام مصیبت، از سنت‌های دوران جاهلیت بوده که قرآن عظیم و رسول خدا ﷺ بطلان آن را اعلام داشته‌اند. شیخ کلینی در کتاب کافی به سند خود از ابو عبدالله صادق علیه السلام گزارش کرده است که فرمود:

چون رسول خدا ﷺ مکه را فتح کرد، ابتدا مردان و سپس زنان مکه آمدند تا با او بیعت کنند. در آن هنگام، خدای بزرگ این آیه شریفه را نازل فرمود:

﴿ يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعُنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴾
(الممتحنة: ۱۲)

«ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن به سویت آمدند تا با تو بیعت کنند که هیچ چیز را شریک خدا نگیرند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندانشان را نکشند و بر کسی از پیش خود افتراء نبندند (یا: فرزندی را که از آن شوهرانشان نیست به دروغ بر آنها نبندند) و در هیچ کار معروفی از تو نافرمانی نکنند، با آنها بیعت کن و برای ایشان از خدا آمرزش بخواه که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است...».

در آن هنگام، امّ حکیم دختر حارث ابن هشام که همسر عکرمه فرزند ابی جهل بود، پرسید: ای رسول خدا، آن کار معروفی که خدا به ما فرمان داده تا درباره آن، از تو نافرمانی نکنیم کدام است؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

لَا تَلْطِمَنَّ خَدًّا وَلَا تَحْمِسَنَّ وَجْهًا وَلَا تَتَفَنَّ شِعْرًا وَلَا تَشْقُقَنَّ جَبِيًّا وَلَا تُسَوِّدَنَّ ثَوْبًا وَلَا تَدْعِيَنَّ بَوِيلٍ. یعنی «هیچگاه ضربه بر گونه نزند و چهره را نخراشید و مویی را نکنید و گریبانی را مدیرد و جامه را سیاه

نکنید و فریاد واویلا مکشید!» آنگاه رسول خدا ﷺ بدین شرایط با آنان بیعت کرد. (فروع کافی، کتاب النِّکاح، ج ۵، ص ۵۲۷، چاپ تهران).

شیخ کلینی به سند دیگری از عمرو بنِ مقدم گزارش کرده که گفت از ابوجعفر باقر ﷺ شنیدم که می‌گفت:

آیا می‌دانید معنای اینگفتار خدای تعالی چیست که: (لَا يَعِصِيكَ فِي مَعْرُوفٍ = در هیچ کار معروفی، از تو نافرمانی نکنند)؟ پاسخ دادم: نه! گفت رسول خدا ﷺ به فاطمه عليها السلام فرمود:

إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا تَحْمِسِي عَلَيَّ وَجَهًا وَلَا تَنْشُرِي عَلَيَّ شَعْرًا وَلَا تُنَادِي بِالْوَيْلِ وَلَا تُقِيمِي عَلَيَّ نَائِحَةً. یعنی: «هنگامی که من مُردم، گونه بر من مخراش و موی را پریشان مکن و فریاد به واویلا برمدار و نوحه‌خوانی برای من بپا مکن» سپس ابوجعفر باقر عليه السلام فرمود: اینست کار معروفی که خداوند بزرگ دستور داده است. (فروع کافی، کتاب النِّکاح، ج ۵، ص ۵۲۷).

بنابراین، قرآن کریم ضربه‌زدن بر گونه‌ها و چهره خراشیدن را در هنگام مصیبت حرام کرده است آنهم به تفسیر پیامبر اکرم (ﷺ) که به رسم همیشگی «مجملات قرآن» (نظیر لَا يَعِصِيكَ فِي مَعْرُوفٍ) را برای مسلمانان تفسیر می‌فرمود.

با وجود این، چگونه می‌توان ادعا کرد که قرآن، قمه‌زنی یا زنجیرزنی را مباح ساخته؟ در حالیکه آزار رساندن و زیانبار بودن این کارها به مراتب بیش از ضربه‌زدن بر گونه‌ها است؟! و بعلاوه، این شیوه از عزاداری، پیروی از سنت جاهلیت شمرده می‌شود، هر چند در اندوه فاجعه کربلا و برای اظهار محبت به آل رسول ﷺ باشد. آری، شریعت اسلامی، آئینی سهل و آسان است که سختی و دشواری از آن برداشته شده چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ ﴾

(خدا در این دین، برای شما سختی ننهاده است).

و باز می‌فرماید:

﴿ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ ﴾

(خدا نمی‌خواهد بر شما سختی نهد).

و همچنین می‌فرماید:

﴿ وَلَا يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ ﴾

(البقره: ۱۸۵)

«خداوند نمی خواهد بر شما سختگیری کند».

و نیز می فرماید:

﴿ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ ﴾ (اعراف: ۱۵۷)

«(این پیامبر، فرستاده شده) تا تکالیف سخت را از ایشان بردارد».

و همچنین فرموده است:

﴿ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ تَخْفَفَ عَنْكُمْ ﴾ (النساء: ۲۸)

«خدا می خواهد بار شما را سبک کند».

و نیز می فرماید:

﴿ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴾ (طه: ۲)

«ما این قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت افتی».

بنابراین، هرکس خود را به دشواری و سختی بیافکند تا این اندازه که سرش را با قمه بشکافد و پشت خود را با زنجیرهای آهنین مجروح کند به گمان آنکه از این راه، خشنودی پروردگارش را می جوید، بی تردید از راه خدا دور افتاده و در دین حق، بدعت آورده و از هوای نفسانی خویش پیروی کرده و با فرمان مولای خود مخالفت نموده است. خداوند بزرگ می فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴾

(الحجرات: ۱)

«ای مؤمنان، از فرمان خدا و رسولش پیش نیافتید و از نافرمانی خدا بپرهیزید (و بدانید که) خداوند (به گفتار شما) شنوا و (و از کردارتان) آگاه است».

نهی نبوی:

رسول خدا ﷺ از فرمان پروردگار و حکم وحی، پیروی می کرد. به همین دلیل، مسلمانان را از پیروی سنت های جاهلیت به هنگام مصیبت، آشکارا نهی نمود و آنان را از این کار، به شدت برحذر داشت. شیخ زین الدین (مُلَقَّب به شهید ثانی) در کتاب «مُسْكِنُ الْفُؤَادِ» آورده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: لَعَنَ اللَّهُ الْخَامِشَةَ وَجَهَهَا وَالشَّاقَّةَ جَبِيهَا وَالدَّاعِيَةَ بِالْوَيْلِ وَالثُّبُورَ (مُسْكِنُ الْفُؤَادِ، ص ۱۰۸) یعنی: «خدا لعنت کند زنی را که چهره اش را (در مصیبت) بخراشد و گریبانش را بدرزد و فریاد واویلا و اُتْبُوراً»

بردارد». و نیز آورده است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ وَ شَقَّ الْجُيُوبَ (مُسَكِّنُ الْفُؤَادِ، ص ۱۰۸) یعنی: «از ما (مسلمانان) نیستند کسانی که (به هنگام مصیبت) بر گونه‌ها بزنند و گریبانها بدرزند». و همچنین شیخ کلینی در «کافی» به سند خود از امام صادق علیه السلام گزارش کرده که به نقل از رسول خدا ﷺ فرمود: ضَرَبُ الْمُسْلِمِ يَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ إِحْبَابٌ لِأَجْرِهِ (الفروع من الكافي، كتاب الجنائز، ج ۳، ص ۲۲۴). یعنی: «هر مسلمانی که هنگام مصیبت، همین که با دست خویش بر ران خود بکوبد، اجرش نابود می‌شود». بنابراین، چون دانستیم پیامبر ما ﷺ آن زنی را که صورتش را بخراشد نفرین نموده و فرموده است: کسی که بر گونه خود بزند از ما نیست، چگونه جرأت می‌ورزیم به جواز قمه‌زنی و زخم‌زدن بر بدن، فتوی دهیم؟ آیا این کار، جسارت در برابر حکم خدا و رسولش شمرده نمی‌شود؟!!

نهی خاندان پیامبر (ﷺ):

هر کس که راه حق را شناخته و رسول خدا ﷺ و خاندان او را دوست می‌دارد، خوب می‌داند که خاندان پیامبر ﷺ از همه بیشتر به تعالیم وی پایبند بودند و در پی امر و نهی او گام برمی‌داشتند و به سنت و سیرت وی اقتداء می‌کردند. امام جعفر صادق علیه السلام فرموده است: إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجِدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ (ﷺ) وَإِلَّا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ (الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۶۹، چاپ تهران). یعنی: «چون حدیثی به شما رسید و شاهدی از قرآن یا از سخنان پیامبر ﷺ بر درستی آن یافتید، حدیث مزبور را بپذیرید و گر نه، کسی که چنان حدیثی را برایتان آورده، بدان سزاوارتر است (حدیثش را به خود او داده، روانه‌اش سازید!)». و باز فرموده است: كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ (الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۶۹)، یعنی: «هر چیزی باید به کتاب و سنت، عرضه شود». و نیز فرموده: مَنْ خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّةَ مُحَمَّدٍ (ﷺ) فَقَدْ كَفَرَ (الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۷۰). یعنی: «هر کس با کتاب خدا و سنت محمد مخالفت ورزد کافر می‌شود». بنابراین گمان نرود که خاندان پیامبر ﷺ درباره خود آزاری به هنگام مصیبت (که سنت جاهلیت بوده)، به راهی جز آنچه از رسول خدا ﷺ رسیده، رفته‌اند. شیخ کلینی در کتاب «کافی» به سند خود از جابر نقل می‌کند که به امام باقر علیه السلام گفتیم: مقصود از بی‌تابی نمودن در مصیبت (که نهی شده) چیست؟ امام فرمود: أَشَدُّ الْجَزَعِ الصُّرَاخُ بِالْوَيْلِ وَالْعَوِيلِ وَ لَطْمُ الْوَجْهِ وَ الصَّدْرِ وَ جَزُّ الشَّعْرِ مِنَ النَّوَاصِي وَ مَنْ أَقَامَ النَّوَاحَةَ فَقَدْ تَرَكَ الصَّبْرَ وَ أَخَذَ فِي غَيْرِ طَرِيقِهِ وَ مَنْ صَبَرَ وَ اسْتَرْجَعَ وَ حَمِدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَقَدْ رَضِيَ بِمَا صَنَعَ اللَّهُ وَ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ لَمْ

يَفْعَلُ ذَلِكَ جَرَى عَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَهُوَ ذَمِيمٌ وَأَحْبَطَ اللَّهُ أَجْرَهُ (الفروع من الكافي، كتاب الجنائز، ج ۳، ص ۲۲۲). یعنی: «سخت‌ترین بی‌تابی نمودن به هنگام مصیبت آنست که فریاد و اوایلا بلند کنند و به چهره و سینه زنند و موی سر را بچینند (یا بتراشند) و کسی که نوحه‌خوانی برپا دارد، شکیبایی را ترک کرده و راهی جز راه صبر در پیش گرفته است و کسی که صبر کند و: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** گوید و خدای بزرگ را سپاس دارد، از کار خداوند رضایت نشان داده و اجرش بر عهده خدا است. و آنکس که چنین نکند، هم حکم خدا بر او جاری شده و هم در خور سرزنش است و خداوند اجرش را نابود می‌کند.» و شیخ کلینی در «کافی» به سند دیگری نیز شبیه این حدیث را گزارش کرده است (الفروع من الكافي، ج ۳، ص ۲۲۳) و شریف رضی در «نهج‌البلاغه» از امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزگاران علی عليه السلام آورده که فرمود: **يَنْزِلُ الصَّبْرُ عَلَى قَدْرِ الْمُصِيبَةِ وَمَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَبِطَ عَمَلُهُ** (نهج‌البلاغه، باب الْمُخْتَارِ مِنَ حَكْمِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع، شماره ۱۴۴، چاپ بیروت) یعنی: «صبر به اندازه مصیبت به انسان می‌رسد (هر قدر مصیبت سنگین‌تر باشد خداوند به انسان بردباری بیشتری می‌دهد) و کسی که در مصیبت بر ران خود بکوبد اجرش تباہ می‌شود». کلینی در «کافی» نیز به سند خود از امام موسی بن جعفر عليه السلام آورده که فرمود: **ضَرَبُ الرَّجُلِ يَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ إِحْبَاطٌ لِأَجْرِهِ** (الفروع من الكافي، ج ۳، ص ۲۲۵) یعنی: «مردی که به هنگام مصیبت، دست خود را بر رانش بکوبد، موجب تباہ کردن اجر خویش می‌شود». همچنین شیخ صدوق در کتاب «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه» به سند خود از امام صادق عليه السلام گزارش نموده که فرموده: **مَنْ ضَرَبَ يَدَهُ عَلَى فَخْذِهِ عِنْدَ مُصِيبَتِهِ حَبِطَ أَجْرُهُ** (مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۱، ص ۵۲۰، چاپ قم) یعنی: «کسی که به هنگام مصیبت، دست خود را بر رانش بکوبد، اجرش تباہ می‌شود».

إجماع قدماى امامیه:

علمای قدیم امامیه، به پیروی از رسول خدا و خاندان او - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - همگی اجماع کرده‌اند بر آنکه ضربه‌زدن بر بدن و چهره خراشیدن و نوحه‌های باطل خواندن در هنگام اندوه و مصیبت، همگی حرام‌اند و خداوند این قبیل کارها را بر مسلمانان روا نשמرده است. شیخ طائفه امامیه (شیخ ابوجعفر طوسی) در کتاب: «مَبْسُوط» می‌نویسد: **الْبُكَاءُ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ وَ أَمَّا اللَّطْمُ وَ الْحَدْسُ وَ جَزُّ الشَّعْرِ وَ النَّوْحُ فَإِنَّهُ كُلُّهُ بَاطِلٌ مُحَرَّمٌ إِجْمَاعاً** (المبسوط، ج ۱، ص ۱۸۹، چاپ تهران) یعنی: «گریستن،

گناهی ندارد^(۱) اما ضربه زدن بر بدن و چهره خراشیدن و چیدن (یا تراشیدن) موی و نوحه خواندن (به هنگام مصیبت)، به اجماع فقهاء، همگی باطل و حرام‌اند. و همچنین فقیه پرمایه، محمدبن ادریس حلی در کتاب: «سرائر» می‌نویسد: «الْبُكَاءُ لَيْسَ بِهٖ بَأْسٌ وَ أَمَّا اللَّطْمُ وَ الْحَدُّشُ وَ جَزُّ الشَّعْرِ وَ النَّوْحُ بِالْبَاطِلِ فَإِنَّهُ مُحَرَّمٌ إِجْمَاعاً» (السَّرائِر، ج ۱، ص ۱۷۳، چاپ قم) یعنی: «گریستن گناهی ندارد ولی ضربه زدن بر پیکر و چهره خراشیدن و چیدن (یا تراشیدن) موی و نوحه‌های باطل خواندن، همگی، به اجماع فقهاء حرام شده‌اند». و نیز فقیه بزرگوار شیخ ابوعبدالله محمد مکی عاملی در کتاب: «ذکری» می‌نویسد: يَحْرُمُ اللَّطْمُ وَ الْحَدُّشُ وَ جَزُّ الشَّعْرِ إِجْمَاعاً (الذِّكْرِي، ص ۷۲، چاپ قم) یعنی: «ضربه زدن بر پیکر و چهره خراشیدن و چیدن موی، به اجماع فقهاء حرام است». و همچنین فقیه مُتَبَجِّر، شیخ محمد حسن نجفی در کتاب «جواهر» به پیروی از فقهای گذشته می‌نویسد: نَعَمْ، لَا يَجُوزُ اللَّطْمُ وَ جَزُّ الشَّعْرِ إِجْمَاعاً (الجواهر، ج ۴، ص ۳۶۷، چاپ بیروت). یعنی: «آری، ضربه زدن بر پیکر و چیدن موی، به اجماع فقهاء جایز نیست».

دستاویز مخالفان!

تا کنون از آثار پیامبر ﷺ و خاندان گرامی او عليه السلام و علمای دینش درباره حرام بودن ضربه بر چهره و پیکر و فریاد و اوایلا برداشتن به هنگام مصیبت، آگاه شدیم. آیا دیگر جای عذر برای ما در ترک حکم خدا و رسولش باقی می‌ماند؟! آری هنوز عده‌ای خود را در اجرای اینگونه اعمال مجاز می‌شمرند! آنان در جواز قمه‌زنی و سینه‌زنی در سوگ حسینی عليه السلام، به اموری دست آویخته‌اند که از تار عنکبوت سست‌تر است! می‌گویند که:

اولاً: این کارها در سوگ امام حسین عليه السلام، نوعی از «تعظیم شعائر» یا بزرگداشت پیامبر و خاندانش، به شمار می‌آید و بدین اعتبار، احادیث مطلق و عام، مقید می‌شوند و اختصاص می‌پذیرند!

(۱) - به دلیل آنکه رسول خدا ﷺ در مرگ فرزندش ابراهیم عليه السلام فرمود: چشم می‌گیرید و دل اندوهناک می‌شود ولی چیزی نمی‌گوییم که خدا را به خشم آورد (الحدائق النَّاضِرَة، اثر بحرانی، ج ۴، ص ۱۶۳، چاپ قم) در حدائق آمده است: اختلافی به لحاظ نصّ و فتوی نیست که گریستن بر مردگان پیش از دفن و پس از آن، جایز است. (الحدائق، ج ۴، ص ۱۶۲).

جواب: از این شبهه، آسان است. هیچگاه سزاوار نیست که بزرگداشت پیامبر و خاندان او، از راههایی صورت گیرد که خود ایشان آنها را نهی کرده‌اند و از سُنَنِ جاهلیت شمرده‌اند. مانند اینکه کسی بخواهد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندانش عَلَيْهِمُ السَّلَامُ را با سجده کردن برای آنها تجلیل کند (با آنکه سجده کردن برای غیر خدا را، خود رسول اکرم و عترتش حرام شمرده‌اند) و تردید نیست که قمه‌زنی و زنجیرزنی را شارع مقدس اسلام نهی فرموده است. بنابراین چگونه به خود حق می‌دهیم که با این قبیل اعمال یا مناهی، به تعظیم شعائر بپردازیم؟!

ثانیاً: مخالفان در اثبات مُدَّعای خود، به حدیث ضعیف بلکه باطلی دست آویخته‌اند و گویند که شیخ طوسی به سند خود از خالد بن سَدِیر نقل کرده که گفت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: **لَقَدْ شَقَقْنَا الْجُيُوبَ وَ لَطَمْنَا الْخُدُودَ الْفَاطِمِيَّاتُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ - عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - وَ عَلَى مِثْلِهِ نُلَطِّمُ الْخُدُودَ وَ تُشَقُّ الْجُيُوبُ** (وسائل الشیعه، اثر شیخ حُرِّ عاملی، ج ۱۵، ص ۵۸۳، چاپ بیروت) یعنی: «دختران فاطمه زهرا (علیها السلام) برای حسین بن علی (علیهما السلام) گریبان خود را پاره کردند و بر گونه‌های خویش زدند و برای کسی همانند حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، جایز است که بر گونه‌ها زنند و گریبانها درند!»

جواب این روایت، از دو راه است یکی آنکه روایت مذکور، از احادیث ضعیفی شمرده می‌شود که به دستاویز آنها، نتوان مطلقاً یا عمومات اخبار را مقید کرد یا تخصیص داد. زیرا خالد بن سدیر (راوی این حدیث) نزد علمای فن رجال، مردی «مجهول» است و به گفته شخص مجهولی نمی‌توان از همه احادیث نبوی و روایات خاندانش، دست برداشت. علامه مامقانی در کتاب «تنقیح المقال» چون به نام «خالد بن سدیر» می‌رسد، می‌نویسد: **فَهَذَا الرَّجُلُ عِنْدِي مَجْهُولُ الْحَالِ!** (تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۹۱، چاپ نجف). یعنی «این مرد، حالش نزد من ناشناخته است» و نیز علامه خوئی در کتاب: «مُعْجَمُ رِجَالِ الْحَدِيثِ» درباره خالد بن سدیر می‌نویسد: **فَلَا اعْتِيَادَ عَلَى الرَّجُلِ لِحَالَتِهِ (مُعْجَمُ رِجَالِ الْحَدِيثِ، ج ۷، ص ۲۵، چاپ قم)** یعنی «اعتمادی بر این مرد نمی‌رود زیرا که ناشناخته است» و فقیه مُتَبَجِّر، صاحب جواهر، به هنگام ذکر حدیث او می‌نویسد: **مَعَ الطَّعْنِ فِي سَنَدِهِ وَ لاجَابِرَ (الجواهر، ج ۴، ص ۳۶۸، چاپ بیروت)** یعنی «در سند این روایت طعن زده شده و جبران پذیر نیست». دوّم آنکه این خبر، معارض دارد به گونه‌ای که آن را از درجه اعتبار می‌افکند و معارض آن، روایتی است که شیخ مفید در کتاب «إرشاد» آورده که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ به خواهرش زینب - عَلِيهَا السَّلَامُ - فرموده **يَا أُخِيَّةُ إِنِّي أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ فَأَبْرِي قَسَمِي، لَا تُشَقِّي عَلَيَّ جَبِيًّا وَ لَا تُحْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا وَ لَا تَدْعِي عَلَيَّ بِالْوَيْلِ وَ الشُّورِ إِذَا أَنَا هَلَكَتُ** (الارشاد، ج ۲، ص ۹۷، چاپ تهران) یعنی: «ای خواهرجان، من تو را سوگند دادم و تو به سوگند من

وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک من و چهره مخراش و در مرگ من واویلا و واثبورا (عذاب بر من باد، خدایم مرگ دهد) مگو». با وجود این، آیا ما حق داریم که ادعا کنیم: برای دختران فاطمه زهرا (علیها السلام) جایز بود که برخلاف وصیت حسین علیه السلام رفتار کنند؟!

به علاوه، روایت خالدبن سدید، مخالف با سفارشی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دختر گرامی خود فاطمه زهرا - سلام الله علیها - نموده که: **إِذَا أَنَا مِتُّ فَلَا تَحْمِشِي عَلَيَّ وَجْهًا وَلَا تَنْشُرِي عَلَيَّ شَعْرًا وَلَا تُنَادِي بِالْوَيْلِ وَلَا تُقِيمِي عَلَيَّ نَائِحَةً**. یعنی: «چون من مُردم، چهره بر من مخراش و موی پریشان مکن و فریاد واویلا برمکش و نوحه خوانی برایم بپا مکن» چنانکه این حدیث را شیخ کلینی در کافی با سندی قوی تر و مطمئن تر از خبر خالدبن سدید گزارش کرده است (الفروع من الکافی، کتاب النکاح، ج ۵، ص ۵۲۷، چاپ تهران).

گاهی مخالفان، به خبری دیگری دست می‌آویزند که در آن آمده است: **«لَمَّا رَأَتْ (زَيْنَبُ عَلِيَّهَا السَّلَامُ) رَأْسَ أُخِيهَا لَطَمَتْ وَجْهَهَا وَهَوَتْ إِلَى جَبِيهَا فَشَقَّتَهُ وَخَرَّتْ مَغْشِيًّا عَلِيَّهَا** یعنی: چون دیدگان زینب - علیها السلام - به سر بریده برادرش علیه السلام افتاد، بر چهره خود زد و دست به گریبان برد و آن را پاره کرد و بیهوش بیافتاد» و گویند که این کار، دلیل بر جواز قمه زنی و سینه کوبی است! در اینجا استدلال به کار زینب - سلام الله علیها - کرده‌اند و عمل حسین - علیه السلام - را پیش از این حادثه، فراموش نموده‌اند که (چون خبر شهادت خود را به زینب داد و آن بانوی مهربان مدهوش شد) برخاست و آب بر چهره‌اش پاشید و گفت: ای خواهرجان از خدا بترس و به خاطر خدا آرام باش و بدان که ساکنان زمین همه می‌میرند و اهل آسمان نیز باقی نمی‌مانند و همه چیز، جز ذات حق - که خلق را به قدرت خود آفریده - فانی می‌شوند... سپس فرمود: «ای خواهرجان، من تو را سوگند دادم و تو به سوگند من وفادار باش که چون کشته شدم گریبان بر من چاک مکن و چهره مخراش و در مرگ من واویلا و واثبورا مگو» چنانکه شیخ مفید و دیگران گزارش کرده‌اند (الارشاد، ج ۲، ص ۹۷). بنابراین، مخالفان، وصیت حسین - علیه السلام - را نادیده گرفته‌اند و آن را پشت سر افکنده‌اند، گویی از آن بهیچوجه خبر ندارند! شگفت آنکه حسین - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - نزد ایشان از معصومین شمرده می‌شود که در گفتار و کردار خطا نمی‌کنند. آنگاه، عمل خواهرش زینب - سلام الله علیها - را دست آویز ساخته‌اند که او را از معصومین نمی‌شمارند و چه بسا عمل مذکور، بدون اختیار از وی سرزده است چنانکه معمولاً از زنان در هنگام مصیبت‌های بزرگ سر می‌زند. و از همین رو آنچه در برخی از کتاب‌ها از مُسَلِّم جَسَّاص حکایت شده که «زینب - سلام الله علیها - پیشانیش را بر جلوی کجاوه کوید

تا آنجا که دیدیم خون از زیر چادرش بیرون آمد» بر همین معنا حمل می‌شود (که بی‌اختیار بدین کار دست زد) و گر نه، چگونه می‌توان گفت که آن بزرگوار عمداً با وصیت برادرش حسین - عَلَيْهِ السَّلَامُ - به مخالفت برخاست؟!

پس، ای برادران گرامی از خدا بترسید و به جواز قمه‌زنی و زنجیرزنی - بدست‌آویز این قبیل اقوالی که نزد خدا و رسولش وزنی ندارند - فتوی مدهید. رحمت خداوند بر کسی باد که سخن استواری را شنید و آن را پذیرفت و به سوی راه راست فرا خوانده شد و بدان نزدیک گشت. وَالسَّلَامُ عَلٰی مَنْ اتَّبَعَ الْهُدٰی.

محرم ۱۴۱۵ هجری قمری

مصطفی حسینی طباطبائی

(این مقاله را استاد، به عربی نگاشته و سپس آنرا به فارسی

ترجمه نموده اند.)

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**